

### درنگ

یادداشتی از مهدی جمشیدی

## تأمل دین‌اندیشانه درباره گام اول انقلاب

اجتماعی« قائل است و «مصلحان اجتماعی» را می‌ستاید؛ چنان‌که پیامبران الهی، مصلحان اجتماعی نیز بوده‌اند. این نوع نگاه، از جمله اصول «فلسفهٔ اجتماعی اسلام» است (مر تفسی مطهری؛ آشنایی با قسرن: ج ۱، ص ۱۲). بر خورداری اسلام از «فلسفه اجتماعی»، به چه معناست؟! ۲- دوگانه «دفاع آیت‌الله خامنه‌ای از علوم انسانی غربی» /مخالفت آیت‌الله خامنه‌ای با علوم انسانی غربی»

رسول جعفریان مدعی است: «هیچ‌کس به‌اندازه رهبری، از علم جدید در دانشگاه‌ها دفاع نمی‌کند.» اما حقیقت این است که: اولاً، معنای دفاع آیت‌الله خامنه‌ای از «علم جدید» چیست؟ یعنی ایشان از «علوم طبیعی جدید» دفاع می‌کند؟ یا از «علوم انسانی جدید»؟ یا از هر دو؟ مقصود از «جدید» یعنی «غربی»؟! و مقصود از «دفاع» چیست؟ این دفاع، مطلق است یا نسبی؟ این دفاع، از ازل علوم است یا از رادباره گفته‌های ایشان مطرح می‌کم و چنانچه ایشان متمایل باشند، حاضرم در یک مناظره علمی

و منطقی، این گفت‌وگو ادامه دهم.

۱- دوگانه «امکان علوم انسانی اسلامی/امتناع علوم

انسانی اسلامی»

رسول جعفریان معتقد است: «صور کنیده مدیریت

نا بود و هست که اسلامی شود؛ سیاست هم، حتی

دانش سیاست روز، اقتصاد هم که جای خود دارد؛

و مثلاً موضوعاتی از قبیل این که روابط خارجی در

اسلام چیست و جست‌وجو از یافتن نصوص و علمی

کردن آنها؛ یا بسیاری از مسائل دیگر، «»وظیفه

روحانیت در دنیای جدید، نشان دادن این است که

دین، در کنار علم می‌ماند، اما مانه این که دخالتی در

کار علم کند.»/«علم هم که در دوره‌های مدعی بود

و شاید الان هم مدعی است که می‌تواند جای دین را

بگیرد، به همان اندازه اشتباه می‌کند که کسی تصور

کند، دین می‌تواند جای تمدن را بگیرد.»/«علم [..]

یابد را خود را برون د و اگر جایی به‌صراحت، دین در

زمینه تکنیک، توصیه‌ای دارد، و نظیرش همان‌ها که

دانش روش‌شناسی و علوم تربیتی و غیره هم دارند، به

سخن دین گوش بدهد.»/این در حالی است که اولاً؛ از

لحاظ موضوع و متعلق، قضایای «کلی» بی‌اعتنا

به «تقسیم‌بندی‌های منطقی و موجه»، صواب

نیست و نمی‌تواند گویای حقیقت باشد؛ این که ایشان

«علم» و «علوم طبیعی» و «علوم انسانی» را، به‌طور

کلی و در کنار یکدیگر می‌نشانند، و حکم عام می‌راند،

خلاف رویه عالمانه و فاقد دقت است. نظر «کلی»،

و «تامینضبط»، از عهده اثبات یا ابطال بر نمی‌آید و

معتبرنیست

ثانیاً؛ این گزاره‌ها یا یکدیگر، قابل جمع نیستند؛ ایشان

در جایی می‌گویند دین نباید در حوزه علم دخالت کند

و در جایی می‌گویند دین نباید جایگزین علم بشود و

در جایی می‌گویند اگر دین درباره علم، توصیه‌ای داد،

علم باید به آن مقید باشد! «عدم مداخله»، «عدم

جایگزینی» و «ارتباط نسبی»، سه حکم متفاوت

و «تعارض» است.

ثالثاً، آیا ایشان در جایی اثبات کرده‌اند که اسلام در

حوزه علوم انسانی در رشته‌هایی همچون مدیریت و

سیاست و اقتصاد و روابط بین‌الملل، به‌اندازهای اصل

حکم ندارد که بتوان بر پایه آن، نسخ‌های اساسی

از این علوم بنا کرد؟! اظهار «حیرت» ایشان و القای

آن به مخاطب بدون ارائه استدلال (۱) را باید «دلیل»

شمرد؟! آیا «عدم مداخلت اسلام در علوم انسانی»،

در امری «بدیهی» و «بی‌نیاز از احتیاج و اقامه برهان»

است که ایشان، ابراز «شگفتی» خویش را کافی

می‌انگارند؟! روشن است که چنین نیست.

رابعاً، با وجود این که تخصص ایشان، «تاریخ» است،

چگونه درباره همه رشته‌ها و شاخه‌های حوزه علوم

انسانی، این گونه بی‌پروا اظهار نظر می‌کند؟!

خامساً، به‌تعبیر ایشان، اگر در «دانش روانشناسی،

و روانشناسی سکولار» خواهد بود یا «روانشناسی

دینی»؟! در اینجا، «گوش دادن به سخن دین»،

بدان معنی است که دین در این باره، سخنی دارد،

و ما نیز باید متعهد به این سخن باشیم؛ پس آن

حیرت پیشین ایشان به چه سبب بود؟! استاد

مطهری به‌صراحت می‌گوید در اسلام، هم به

«اصلاح فرد» و هم به «اصلاح جامعه»، اهمیت

داده شده است، به طوری که اگر «جامعه»، فاسد

باشد، اصلاح «فرد» به‌تنهایی کافی نخواهد بود.

این رو، در اسلام آموزهٔ «امر به معروف» و «نهی از

منکر» وجود دارد و اسلام برای انسان، «مسئولیت



تأملی در ابعاد پژوهشی شخصیت شهید مطهری

# مسئله‌محوری فعال

# شاخصه روش‌شناسی معرفتی مطهری است

از روش‌های مهم ادراک و حل مسئله، پرشش از گستره

و علمی است که مسئله به آن تعلق دارد. پاسخ به سؤال

«مسئله من به کدام دانش متعلق است؟ نقش مهمی در

گزینش چارچوب نظری تحقیق، روی آورد، روش و ابزار

پژوهش دارد. به عنوان مثال، برخی نویسندگان در حل

مسئلهٔ تعارض ظاهری علم و دین در مسئلهٔ آفرینش

انسان، به داوری و نفی و ابطال گزارا فامیز نظر به معارض،

یعنی تئوری تبدیل انواع می‌پردازند. استاد این هشدار

روش‌شناختی را به میان می‌آورد که «بحث و تحقیق در

این مسئله بر عهدهٔ علمای زیست‌شناسی است.»

استاد در آغاز انسان و سر‌نوشت تعلق مسئله به گستره

خاص از علوم را به عنوان «ردیف مسئله» مورد توجه

قرار می‌دهد؛ مسائل علمی و فلسفی هر کدام ردیف

خاصی دارند که از طریق موضوعات آنها و یا از طریق

هدف و نتیجه‌ای که از یاد گرفتن آنها حاصل می‌شود،

تعیین می‌شود. علت اینکه مسائل فلسفی در ردیف

خاصی و مسائل ریاضی در ردیف دیگر و مسائل طبیعی

در ردیف جداگانه قرار می‌گیرد، وابستگی و ارتباط

موضوعی مسئله‌محور است. در مورد موضوعات هر دستهٔ هم‌ردیف،

وجود دارد و یا لاقبل به واسطهٔ هدف نظری یا عملی

مشترکی است که یادگرفتن هر دسته از آنها برای

یادگیرنده تأمین می‌کند.

یکی از مسائل قابل طرح در تبارشناسی، تمایز مسائل

چندتباری و مسائل تک‌تباری است. مسئلهٔ چندتباری

بر خلاف تک‌تباری ریشه در علوم مختلف دارد به گونه

ای که بدون توجه به ره آورد و ابزارهای آن علوم نمی‌توان

به شناخت کامل آنها نائل آمد. به عنوان مثال، وقتی از

اصل علیت بحث می‌کنیم این مسئله به گسترهٔ فلسفه

تعلق دارد و نه علوم تجربی. بنابراین، باید روی آورد

فلسفی را در حل آن برگزید. به تعبیر استاد، علم از

پاسخگویی به مسائل علیت ناتوان است و فلسفه تنها

مقام صلاحیت‌دار پاسخگویی به این‌گونه پرسش‌ها

است. اما مسائلی چون جبر و اختیار و عدل الهی از نظر

استاد چندتباری‌اند:

«مسئله جبر و اختیار در درجهٔ اول یک مسئله انسانی

است و در درجهٔ دوم یک مسئلهٔ الهی و یا طبیعی

است.»

«ریشهٔ طرح مسئله عدل را تنها در علم کلام و در میان

متکلمان نباید جست‌وجو کرد. ریشه‌های هم در جای

دیگر دارد و آن فقه اسلامی است.»

■ **تبارشناسی تاریخچه مسائل دینی**

از جمله روش‌های علمی بررسی مسئله‌که در اغلب

■ **محمدرضا محسنی**

یکی از ابعاد مهم شهید مطهری که شاید کمتر

بدان پرداخته شده، شخصیت پژوهشگر ایشان

است. استاد مطهری را پیش از آن که یک مبارز

انقلابی، خطیب و یا معلم بدانیم باید پژوهشگری

بدانیم که ثمرات روش تحقیق وی خلق آثاری

است که تاکنون نیز از ارزنده‌ترین و پایا ترین

آثار دینی معاصر در حوزه شناخت اسلام به

شمار می‌روند. در این یادداشت به این بعد از

شخصیت شهید مطهری پرداخته شده است.

■ **مسئله‌محوری فعال**

یکی از وجه تمایز روش‌شناسی پژوهشی استاد مطهری

با بسیاری از عالمان و هم‌عصران خود، «مسئله‌محوری

فعال» است. به عبارت دیگر موضوعات، به جای ابژه

بودن، برای شهید مطهری حکم سوزه و دارند. ایشان

در کتب خود مکرر مسئله‌محور بودن خود را یادآوری

می‌کند. به عنوان نمونه در مقدمه کتاب عدل الهی

می‌نویسد: «بنده از حدود ۲۰ سال پیش که قلم به

دست گرفتم، مقاله یا کتاب نوشته‌ام، تنها چیزی که در

همه نوشته‌هایم آن هدف قرار داده‌ام، حل مشکلات و

پاسخگویی به سؤالاتی است که در زمینه مسائل عمومی

در عصر ما مطرح است.»

این سوزه‌محوری و رویکرد «حل مسئله» نه فقط در آثار

پژوهشی که در آثار تبلیغی و سخنرانی‌های عمومی

ایشان قابل مشاهده است.

همه این موارد به سوی حل مسئله خاص و رفع معضله

معین جهت‌گیری شده‌اند؛ ایشان همچنین در مقدمه

اکثر بحث‌های خود مقدمه‌ای ذیل عنوان طرح بحث

اختصاص می‌دهد تا مسئله مورد بحث را از حیث

ضرورت تعریف و صورت‌بندی کند. از مهم‌ترین علل

مسئله‌محور بودن ایشان نوع نگاه و راهبرد وی نسبت به

ماهیت علم و علم‌اندوزی است. ایشان در تفسیر «طلب

العلم فریضه علی کل مسلم» تحصیل علم را واجب

می‌داند و بلافاصله انتظار خود را از مطالعات دینی

«کارایی و اثر بخشی در پاسخ به نیازهای اجتماعی»

عنوان می‌کند.

از علل دیگر مهم مسئله‌محور بودن اندیشه ایشان،

برخورداری از ذهنی دارای پیچیدگی و انباشت تئوریک

با امیزهای از دانش‌ها و نظریات و نیز آشنایی ایشان

با زمان و علوم روزگار خود، برخورداری از استادان

مسئله‌محور، برهیز از سطحی‌نگری و برخورداری از

ذهن منطقی و دانش اصول بوده است.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های پژوهشی استاد مطهری

آن است که به صورت فعال به انتخاب و گزینش مسئله

دست زده و روابط علی و معلولی را به گونه‌ای تعریف

می‌کند که به نتیجه مورد نظر دست یابند. ایشان در

این زمینه در توضیح مقدمات بحث یکی از کتبش

می‌نویسد: «آنچه در مورد مباحث این کتاب می‌توانیم

بگوییم این است که همه، مباحث «انتخاب شده» است،

هیچ یک به‌طور تصادف و به موجب علل اتفاق طرح

نشده است.»

■ **آسیب‌شناسی مسئله**

از جمله مهم‌ترین درس‌موخته‌های روش‌شناختی که

از آثار استاد مطهری می‌توان برگرفت، آسیب‌شناسی

مسائل و موضوع‌شناسی کلامی است. ایشان معتقدند هر

مسئله‌ای شایسته تحقیق، بررسی و یافتن پاسخ نیست.

تمایز مسئله از شبه‌مسئله از مهم‌ترین مهارت‌های

روشی شهید مطهری است. آسیب‌پذیری مسئله

صورت‌های مختلفی دارد. گاهی اوقات فرد بنا بر

اغراضی خاص، می‌کوشد تا مسئله‌ای را به صورت

ناصحیح طرح کند تا باعث مغالطه و خطای دیگران شود.

ماتریالیست‌ها از نظر استاد مطهری چنین عناصری

هستند. اینها تلاش می‌کنند موضوعات را به صورت

مبهم و نامرتب به گونه‌ای طرح کنند که مسئله به نحو

پنهان، پاسخ خود را القا کنند بدون آنکه آن پاسخ مورد

بررسی قرار گیرد.



سوژه محوری و رویکرد

«حل مسئله» نه فقط در

آثار پژوهشی که در آثار

تبلیغی و سخنرانی‌های

عمومی شهید مطهری

قابل مشاهده است



از جمله روش‌های علمی بررسی

مسئله که در اغلب آثار شهید مطهری

نیز قابل رصد است، پیش‌سینه‌یابی

موضوعات علمی و مسائل است که

ایشان خود را ملتمزم به آن می‌داند

که صرفاً به چند رشته‌ای بودن محدود ماندند. مدرس

نوزی، علامه طباطبایی و استاد مطهری از گروه اول

می‌باشند. البته آنها به این امر توجه معرفت‌شناسانه

نداشتند و مدل‌های آن در مطالعه میان‌رشته‌ای به

صورت مدون تعریف نشده است. تدوین الگوی پژوهشی

مطهری در اخذ روی آورد میان رشته‌ای محتاج پژوهش

دیگر است.

■ **رویکرد مناسب در حل مسائل دین‌پژوهی**

پرشش از اینکه با چه رویکردی می‌توان این مسئلهٔ

کلامی را حل کرد، نقش مهمی در اثر بخشی و موفقیت

مطالعات کلامی دارد. با توجه به حیثیات مختلف مسئله

می‌توان تعلق آن به دانش معین را روشن و روی آورد

مناسب را انتخاب کرد. سخن استاد مطهری در آغاز

عدل الهی نشانگر توجه وی به همین نکته است: مسائل

آن، سازگاری درونی آرا و مبانی آنها را به دقت مورد

است که از جنبهٔ نقلی به آیات قرآن کریم و روایات

مأثوره از رسول اکرم و ائمه اطهار (صلوات الله علیه و

علیهم) استاد شده است اما از جنبهٔ عقلی به دوگونه

ممکن بود بحث شود: کلامی و فلسفی. ولی نظر به

اینکه مشرب استدلالی متکلمین را در این گونه مسائل

صحیح نمی‌دانم و برعکس، مشرب حکمای اسلامی را

صحیح می‌دانم؛ از سبک متکلمین به طور کلی برهیز

کردم و از سبک حکما استفاده کردم.

استاد با دغدغه‌های منطقی به بره‌های رو می‌آورد

و سعی دارد با ابزارهای تحلیلی منطقی به دفاع از

اندیشه‌های دینی بپردازد. ادلهٔ یک مدعا، لوازم منطقی

آن، سازگاری درونی آرا و مبانی آنها را به دقت مورد

تأمل قرار دهد و به شعار نحن ابناء الدلیل نمیل حیث

یمیل (ما فرزندان دلیلی می‌باشیم و هر جا آن رهنمون

سازد رو می‌آوریم) پایبند باشد. به همین دلیل، ایشان

در تحلیل مسائلی چون آزادی به عنصر عقل و عقلانیت

بها می‌دهد و آزادی را در ترازی خوردوری می‌سنجد.

استاد بر اساس چنین مبنایی در تحلیل مسائل توبن

کلامی و حتی مسائل سنتی کلامی نیز به رهیافت

فلسفی رو می‌آورد. البته این امر در همهٔ مسائل صدق

نمی‌کند. به عنوان مثال، رهیافت ایشان در تحلیل

مسئلهٔ کثرت‌گرایی دینی بیش و کم رهیافت درون

و تبیین اجتماعی بودن انسان، و این امر را می‌توان از

مواضع رخنه در روش‌شناسی مطالعات استاد دانست.

■ **تفکر نقادانه**

اما مهم‌ترین ضلع در روش‌شناسی مربوط به اندیشهٔ

استاد است. مطهری را می‌توان روحیه نقدپذیری

و توان نقد وروشمند ایشان دانست. با یاد